فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳، شماره پیاپی ۱۱۳
اشرف السادات باقری، بنیاد دائره المعارف اسلامی **A.S. Bagheri**

E-mail: Ashbagheri@yahoo.com

شماره مقاله:۹۵۹ صص: ۱۵۸-۱٤٥
وصول: ۹۲/۵/۱ پذیرش: ۹۲/۱۱/۹

تحلیل و بررسی درونگرایی در شهرهای سرزمین‌های اسلامی

چکیده

جوامع اسلامی دارای احساس عمیق پوشیدگی و خلوت شخصی هستند که در معماری سنتی آنان بازتاب می‌یابد؛ به گونه‌ای که خانه‌ها، چهره‌ای اندرونی و باطنی دارند، حجب و پوشیدگی خانه مسلمان، تقسیم بندی مشخص حیطه‌های اندرونی و بیرونی در شهرهای اسلامی، یکی از جذابترین ویژگی‌های شهرهای اسلامی است. درونگرایی یکی از شاخص‌های معماری شهر اسلامی و حیاط یکی از عناصر تشکیل دهنده درونگرایی است؛ به‌طوری‌که بافت شهرهای اسلامی مجموعه‌ای از خانه‌های شهری را تشکیل می دهند که اطراف حیاط بنا شده اند. امروزه با حذف حیاط از معماری خانه های مسکونی و ایجاد ارتباط مستقیم و بدون وقفه بین فضای درون با برون در طرح‌های جدید آپارتمانی و نادیده گرفتن مراتب عبور از فضاهای گوناگون، نقش و کارکرد حیاط که ضمن کاستن از خستگی ها و نگرانی های روزانه، تلطیف روحیه و روان را بلافاصله در بدو ورود به آن موجب می شد، از بین رفته است؛ علاوه بر آنکه انسان را به طبیعت و پیرامون خود بی‌توجه کرد، حرمت خانه را نیز دستخوش ناامنی روانی، عدم آسایش و آرامش و مشکلات ناشی از بیرون خانه کرد.

گسترش شهر و شهرنشینی در نتیجه انقلاب صنعتی و تحولات ناشی از آن و به دنبال آن، فرایند شهر نشینی مدرن، الگوی متفاوتی را از نظر مسکن و خانه سازی در پیش روی انسان معاصر قرار داده است. مدرنیته موجب بریدن از گذشته و تاریخ و هماهنگ شدن با شرایط حال شده است و کارکرد پنهان الگوی مسکن و خانه سازی بسیار کاهش یافته است. تحولات مدرنیته موجب تغییرات گسترده در سبک زندگی، الگوی سکونت و ویژگی کیفی خانه شده است؛ به‌طوری‌که امروزه خانوار مسلمان ایرانی بدون توجه به باورهای شرعی، آشپزخانه اوپن را پذیرا شده است و دیگر اندرونی و برونی درخانه ها وجود ندارد. الگوی مسکن کارکرد جنسیتی خود را از دست داده است و کمتر در الگوی خانه سازی به ارزش‌های مذهبی توجه می‌شود.

در این مقاله، بر اساس رویکرد توصیفی و تحلیلی، نظریات و دیدگاه‌های درونگرایی و عنصر حیاط، از لحاظ سیر تاریخی، معنا و مفهوم، علل و عوامل بازخوانی و تحلیل می شود. پژوهشگر بر مبنای روش توصیفی، با استفاده و بهره گیری از ابزار جمع آوری اطلاعات، مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی مدارک مرتبط تلاش کرده تا مؤلفه ها و اصول مربوطه را بررسی کند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد عوامل فرهنگی و اعتقادی و مذهبی همراه با عوامل اقلیم و محیطی توام با هم در به‌وجود آمدن نوع معماری و بافت شهری موثر بوده است. به عبارت دیگر، شرایط آب و هوایی، مواد و مصالح

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

محلی، فرم‌های سنتی، شیوه زندگی و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی تعیین کننده است.

واژه‌های کلیدی: درونگرایی، حیاط، معماری سنتی، معماری اسلامی، شهراسلامی

مقدمه

معماری و شهرسازی اصیل بر پای بست ارزش هایی استوار بوده که هنوز بعد از گذشت سالیان متمادی می‌تواند چنان بر دل نشیند که روح و روان آدمی را مرهم باشد. در سبک معماری حیاط دار، هرگاه انسان وارد حیاط می‌شود، عملا از شلوغی و هیاهوی شهر می گریزد و وارد محیطی می شود که سراسر آرامش و آسایش است. در ادوار تاریخی پیشین، مسکن حریم خانه و خانواده را از دید نامحرم و رفتار بیگانه محفوظ می داشت. بافت‌های سنتی روزگاری مأوا و محیطی امن توأم با آسایش و رفاه مردم بودند. امروزه ما در شهرهای اسلامی شاهد یک الگو و سبک بیگانه برنامه ریزی هستیم که در تقابل با محیط و میراث فرهنگ ماست. با توجه به این مسائل، احترام و محافظت از سنت‌های گذشته اهمیت دارد. در باره مقوله درونگرایی و عنصر حیاط در نقاط مختلف جغرافیایی و بویژه در سرزمین‌های اسلامی، دیدگاه‌ها و اظهار نظرهای مختلفی مطرح شده است. برخی با دیدگاه فرهنگی؛ عوامل فرهنگی و مذهبی را در شکل گیری الگوی درونگرایی مؤثر می دانند و برخی با دیدگاه بوم محوری و اکولوژیک؛ عوامل محیطی جغرافیایی و اقلیمی را در این امر موثر می دانند؛ برخی به عوامل دفاعی و امنیتی و سیاسی تاکید دارند و برخی معتقدند که درونگرایی برحسب مقتضیات اقلیمی متناسب با جهان بینی و فرهنگ و عوامل فرهنگی جامعه و در نواحی خاص جغرافیایی، تحت شرایط اقلیمی و محیطی ایجاد شده است و پس از ظهور اسلام به دلیل انطباق با قوانین اسلامی ادامه یافته است. به عبارتی، مجموعه عوامل فرهنگی ؛ جغرافیایی اقلیمی و امنیتی در این زمینه تاثیر داشته است. برای رسیدن به بافت شهری و الگوی سکونتی آرامش بخش، توجه به مبانی معماری سنتی ایرانی و اصول و ارزش‌هایی که در اعتقادات و باورهای آسمانی و معنوی ریشه دارد، به مقتضای شرایط و متناسب با شهر مدرن ضروری است.

این مقاله پس از تبیین درونگرایی و عنصر حیاط از لحاظ معنایی و سیر تاریخی و علل و عوامل فرهنگی(لئونادوبنه ولو، راپاپورت،بحرینی....)، اکولوژیکی(کاستللو، توسلی و...) و ترکیبی(سمیر عکاش، موریس، آندره ریمون، سلطانزاده و.....) به موارد زیر خواهد پرداخت:

آیا الگوی درونگرایی در نتیجه مقتضیات اقلیمی، جغرافیایی و اکولوژیکی ایجاد شده است؟

آیا الگوی درونگرایی در نتیجه ارزش‌های فرهنگی، اعتقادی و مذهبی ایحاد شده است؟

آیا الگوی درونگرایی در نتیجه شرایط اقلیمی، اکولوژیکی و ارزش‌های فرهنگی ایجاد شده است؟

در پایان نیز راهکارها و نتیجه گیری ارائه شده است.

نگرشی بر مفهوم درونگرایی و تجلّی آن در شهر اسلامی

درونگرایی نگرش به درون، نوعی سازماندهی کالبدی در سرزمین‌های اسلامی است که عبارت از بسته بودن فضای خصوصی نسبت به فضای شهری و باز شدن آن به سوی فضای خصوصی است. درونگرایی با تعبیر کالبدی رایج آن، فضای بسته حول یک فضای باز مرکزی است که به‌واسطه آن موجودیت اصلی جامعه، امت و خانواده رشد و استحکام

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

می‌یابد.

درونگرایی ویژگی معماری اسلامی است که عمدتا با سازماندهی حول حیاط مرکزی و عدم توجه به فضای درون بنا به محیط خارج تعریف می گردد (معماریان،۱۳۸۶ :۳۱۰).

درونگرایی یکی از ویژگی هایی است که درجه اهمیت به باطن را در مقابل توجه به ظاهر متجلّی می سازد و در اصل تاکیدی بر عالم غیب و تفسیری بر یکی از صفات الهی (باطن) است و آنچه اهمیت دارد، آن است که در زندگی فرد مسلمان تاکید بیشتر بر ابعاد درونی و معنوی در مقایسه با ابعاد بیرونی و مادی است (نایبی،۱۳۸۱ :۴۰-۵۱).

شهرهای درونگرا شهرهای بسته و کاملا محصور دوران اسلامی هستند؛ به این ترتیب که هرچیزی از خود شهر گرفته تا محلات، خیابان‌ها و بخش ها تا مجموعه های مسکونی خانه ها و اتاق ها همه باید محصور بوده و دارای در و دروازه باشند؛ حتی راه‌های ارتباطی عمده کاملا محصور هستند. این راهها به کوچه های کوچکتر محلی و از آنجا به بن بست های بسیار تنگ و باریک و سپس به ورودی های خصوصی و نهایتا به سایر راهروهای باریک به اتاق ها و ایوان منتهی می شود. چنین شهرهایی جاذبیت ها ی غیر قابل انکاری را داراست؛ نظیر: تقابل و تضاد، آرامش و سکون از یک طرف و تحرک و هیجان شهری از طرف دیگر و همچنین، کیفیت فضاهای آن، روش هایی را نیز برای زندگانی در تراکم زیاد ارائه می دهند. شهرهای اسلامی مجموعه ای از بافت خانه های شهری را تشکیل می دهند که اطراف حیاطی بنا شده و درون شبکه ای از خیابان‌های تنگ و تودرتو قرار گرفته اند. تقسیم بندی مشخص حیطه های اندرونی و بیرونی در شهرهای اسلامی، یکی از جذابترین ویژگی این شهرهاست. فعالیت تجاری و زندگی خانوادگی از نظر فضا و محیط به روشنی متمایز شده اند؛ به طوری که فعالیت تجاری در قلمرو مردان و فعالیت های خانگی در قلمرو زنان قرار دارد (کوین لینچ، ۱۳۷۶ :۵۱۳ ؛ وارن فتحی، ۱۹۸۲).

درونگرایی شهرها و خانه های اسلامی از دیدگاه فرهنگی

لئوناردوبنه ولو ویژگی درونگرایی را برخاسته از فرهنگ اسلامی و حفظ حریم و حرمت خانواده می داند و معتقد است اسلام بر خصلت پوشیدگی و محفوظ بودن زندگی خانوادگی تأکید داشت. خانه ها تقریبا همواره در یک سطح بود و شهر شامل مجموعه ای از خانه ها می شد که نمای بیرونی آنها شکل فضای داخلی یا اهمیت آن را نشان می داد (لئوناردوبنه ولو،۱۳۶۹). در بعد اجتماعی اسلام با درونگرایی فردی مقابله کرده و آن را مردود شمرده است؛ ولی اظهاراتی مثل حق و رسالت خانوده سبب می شد که خانواده در حصار و منزلتی قرار گیرد و جدایی و تمایز چشمگیری بین زندگی اجتماعی و زندگی خصوصی پدید آید و یکی از خصوصیات برجسته و مهم اجتماعی فرهنگ اسلامی گردد (پیتربریچ،۱۹۸۲ :۱۹۵).

بر این اساس، حوزه بیت(خانه) عمدتا مترادف حجاب زنان دانسته می شود و حجب و پوشیدگی خانه مسلمان، از ویژگی شهرسازی اسلامی است که در نقاط مختلف دنیا، براساس فرهنگ و رسوم محلی و مصالح و ابزار موجود، به شیوه های گوناگون رخ می نماید. تقسیم خانه به بخش های بیرونی و درونی، تعبیه دو نوع کوبه بر در خانه برای تمایز جنسیت میهمان و استفاده از شیشه های قرمز و رنگی یا مشجر، از جمله شیوه هایی است که در شهرهای ایرانی نیز به‌کار می رفته است. ساخت دیوارهایی به نام حجاب در پیشامد ورودی منازل برای جلوگیری از دید افراد به داخل و پنجره-

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

های مشبک، این امکان را به افراد داخل خانه می دهد که بدون اینکه دیده شوند، از قسمت مشربیه به بیرون خانه بنگرند. کوچه نیز در واقع امتداد خانه است و پیش از آنکه مکانی برای داد و ستد و گردش باشد، یک دالان داخلی به شمار می‌آید. در تونس و بسیاری از دیگر شهرهای افریقایی، پوشیدگی خانه از طریق بلندی پنجره ها و درونگرا بودن خانه‌ها تامین شده است. در بسیاری از شهرهای افریقایی، منبع تامین نور خانه ها، حیاط داخلی است و هنگام عبور از کوچه ها و خیابان‌ها هیچ منفذی به درون خانه ها دیده نمی شود (دارابی، ۱۳۷۶: ۱۶؛ معماریان ۱۳۸۷: ۳۹۵ و فادی،۲۰۱۱ :۵).

واحدهای مسکونی درونگرا، بر یک نکته اساسی تاکید داشته‌اند و آن اینکه فرم مسکن هیچ تظاهری به بیرون نداشته و اجزای آن در درون دیوارهای بلند خود از بیرون دیده نمی شود. به عبارت روشن تر، همان‌طور که مردان و زنان به طرق مختلف با لباس‌های متین حجاب اسلامی را رعایت می کنند، مسکن نیز همان حجاب را به طریق درونگرا داشته و در نتیجه در نمونه های قدیم به هیچ وجه عواملی مثل بالکن و پنجره های مشرف به کوچه و خیابان دیده نمی شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹ :۹۵).

معماری خانه‌ها، درون گرایی و تعبیه پنجره های شبکه بندی شده، درها و ورودی‌های اختصاصی، مسأله محرمیت و جدایی گزینی جنسیتی را نشان می دهد (دادلی و ودبرلی، ۱۹۹۸). تفکیک فضای انسان ساخت بر مبنای جنسیت، مردانه بودن فضای بازار و راه‌ها و زنانه بودن خانه تعیین می گردد (پیتربریج، ۱۹۸۲ :۱۹۵و کاستللو ۱۳۶۸ : ۱۲۷-۱۲۹).

حرمت زن و حریم خصوصی خانه، اصل اساسی است که در منابع مهم دینی به آن اشاره شده است. حریم مکانی است که انسان می تواند در آن آرامش داشته باشد؛ جایی است که حرمت انسان در آن پاس داشته می شود. حریم بیانگر حرمت خانه و حرام بودن نگاه اغیار است؛ به گونه ای که ساکنان آن از دید بیگانه مصون باشند؛ در عین حال، احساس امنیت روانی نمایند (حسین پور و دیگران، ۲۰۰۱: ۲۶). اصول اسلامی در مورد حریم خانه، مسلمانان را به جدا نمودن حریم شخصی خودشان (حریم زن و مرد) از حریم عمومی خانواده فرا می خواند. بخشی از نظام اسلامی مبنی بر جدایی گزینی جنسیتی است. ادامه یافتن خانه با عناصری نظیر راهروها باعث محدود شدن میدان دید شده و مطابق با شهرسازی اسلامی است. در اسلام وجود دید مستقیم بین قلمرو مهمان و بخش پذیرایی با بخش خانوادگی منع شده است. ملاک‌ها و معیارهای طراحی باید طوری تدوین و تنظیم گردند که این گونه دسترسی‌ها و دیدهای مستقیم را از بین ببرند و حریم خصوصی و قلمرو خانوادگی حفظ شود. مهمترین فضای داخلی که باید از دید مهمان محفوظ بماند، ناحیه آشپزخانه و اتاق نشیمن است. زنان خانواده معمولا اکثر اوقاتشان را در این فضا سپری می کنند و انجام امور توسط آنان باید به طور آزادانه انجام گردد. در اسلام فضا و محل خواب به عنوان فضای خاص و مقدس مورد احترام و توجه قرار گرفته و همچنین تاکید شده است که عناصری مانند دیوار، کف و سقف باید طوری ساخته شوند که مانع عبور و نفوذ صدا از داخل خانه به خارج؛ خصوصا صدای زنان خانواده به خیابان‌ها و معابر و همسایگی های اطراف شوند. تراکم و جنس مصالح ساختمانی و ضخامت دیوارها، استانداردی از حریم شنیداری را باید ایجاد کند (مرتضی،۲۰۰۳).

مفهوم محرمیت به‌طور ماهرانه‌ای نه تنها در واحدهای مسکونی سنتی، بلکه در بافت های شهری ارگانیک نیز به‌کار گرفته شده و به عنوان یک اصل مسلم در شکل گیری فضاهای خصوصی و عمومی مؤثر بوده است. نقش ارزش های فرهنگی مذهبی در این امر که در حقیقت درون گرایی شهر ایرانی – اسلامی را پدید آورده، انکار ناپذیر است (بحرینی،۱۳۷۵ :۲۲۴).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

آرامش و حیا در حریم خصوصی معماری ایران به صورت اندرونی و بیرونی و رعایت حقوق دیگران، عدم سایه افکنی بر همسایه، از جمله اصول مسکن اسلامی است. در بافت های شهری پیوسته، متراکم و درونگرای معماری سنتی ایران، خانه فضای خصوصی برای زندگی خانوادگی بود که معمولا اصل محرمیت در طراحی و احداث آن رعایت می شد تا افراد خانواده از دید اشخاص نامحرم محفوظ باشند. بر اساس همین دوگانگی خودی و غیرخودی، فضای معماری ساخته شده از دو بخش اندرونی و بیرونی تشکیل شده بود. اندرونی مکان اعضای درجه یک خانواده؛ بویژه زنان محسوب می شد؛ در حالی که بیرونی محل آمد و شد مهمانان و افراد خارج خانه بود(امیربانی، ۱۳۸۰ :۹-۱۱). شاردن ویژگی خانه های تجار و بزرگان شهر اصفهان را با داشتن اندرونی و بیرونی توصیف نموده که غریبه به آن راه نمی یافته است(شاردن، ۱۷۱۱: ۷۱-۷۶). مشخصات ثابت خانه های مسلمانان، تفکیک فضای خانه از مردان و نامحرمان در فصول جداگانه برای حفظ حرمت خانه هاست. معمولا از مهمانان مرد در اتاقی مجزا در یک ورودی یا فضای حاشیه ای به نام مضیف یا مجلس یا بیرونی بدون ورود به داخل خانه پذیرایی می شد. در آبادی‌ها و شهرهای حاشیه خلیج فارس و خوزستان **مضیف** یا محل اتاق مهمان در حریم خانوادگی قرار داشت. ایجاد ورودی برای اتاق مهمان در بیرون از حریم خانه راه حل دیگر برای جلوگیری از عبور مهمان به حیاط بود.

بنابراین، نکته دیگر ورودی خانه هاست که برای حفظ حریم‌ها به شیوه ای غیر مستقیم و شکسته طراحی می شود و به فضای داخلی خانه راه می یابد. در تونس و بخش‌هایی از ایران در گذشته ورودی بسیاری از خانه ها با زاویه ۹۰ درجه درست می شد(عزب،۲۰۰۳ :۲۶).

در خانه‌های عراقی تمایل به درونگرایی و رعایت محرمیت با تقویت فضای داخلی به فضای مخصوص میهمان و حریم ویژه خانواده تقسیم می گردد(عبدالامیر،۱۹۸۸: ۱۷۹).

درخانه‌های عربستان طراحی معماری سنتی به صورت رعایت مسأله محرمیت بر مبنای دید نداشتن فضاهای عمومی و خصوصی و جداسازی حریم زنان و مردان بازتاب داشته است. در منطقه ساحلی الوجه برای حفظ حریم خانه، اتاق‌ها به گونه ای طراحی شده اند که با ورودی هم جهت نباشند. در نجد نیز فضاهای عمومی و خصوصی خانه ها ورودی جداگانه دارند (کینگ،۱۹۸۸: ۲۰،۱۱-۸۶، ۳۰، ۱۳۱و ۲۱۱).

دین اسلام، به خلوت گزینی و در دید نامحرم نبودن بر خصلت پوشیدگی و محفوظ بودن زندگی خانوادگی تأکید می نماید. مسأله محرمیت و جدایی گزینی جنسیتی حرمت زن و حریم خصوصی خانه اصل اساسی است که در منابع مهم دینی به آن اشاره شده و این امر در طراحی فضای شهرهای اسلامی عامل مؤثری است. خانه های حیاط دار معمولا اهمیت این فلسفه را به خوبی نشان می دهند. این خانه ها، ساختمانی درونگرا در مرکز دارند که اطراف آن را حیاط فرا می گیرد. در نتیجه، می توان گفت با این نوع طراحی، رابطه میان ساکنان خانه با افراد بیرون محدود می گردد. این مدل خانه ها، هیچ پنجره ای به خیابان ندارند و ورودی آنها پیچ در پیچ است، در نتیجه، طرح خانه به گونه‌ای است که هرگونه ارتباط و تماس با دنیای خارج تحت کنترل باشد. خانه های بزرگ نیز گاهی مطابق با تعداد زنان و مردان درون خانه، به چند بخش تقسیم می شوند. اصول و مقررات خلوت گزینی، به سازماندهی سه بخشی فضا منجر شده است که عبارتند از: ۱- بخش داخلی یا خصوصی؛ ۲- بخش نیمه خصوصی و ۳- بخش عمومی (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۴۰۰-۴۰۱).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

خانه های اسلامی صرف‌نظر از ویژگی های جغرافیایی بومی در بسیاری از موارد همانندی و قابلیت شکل پذیری و کاربردی بودن تعالیم اسلامی را به نمایش می‌گذارند. عامل فرهنگی باعث ایجاد حریم های مختلف در خانه شد، در حالی‌که عامل اقلیمی باعث می شود چرخه حرکتی روزانه در فصول مختلف شکل گیرد و با مشخص شدن فضای تابستانی و زمستانی در نقشه، دسترسی به آن تعیین می گردد. یک خانه کهن در ایران حداقل دارای دو بخش تابستان نشین شامل اندرونی و بیرونی و زمستان نشین اندرونی و بیرونی است(پیرنیا،۱۳۷۱ :۱۵۹-۱۶۴) که تحت تاثیر شرایط اقلیمی ایجاد شده است.

درونگرایی شهرها و خانه‌های اسلامی از دیدگاه اکولوژیک

در دیدگاه بوم محوری و اکولوژیک، عوامل اقلیمی جغرافیایی در درونگرایی مؤثر دانسته شده و اولویت به مسائل محیطی داده شده است. کاستللو معماری اسلامی را به دلیل اقلیم سخت این کشورها عموما یک معماری کارکردی مبتنی بر استفاده بهینه از اقلیم مطرح می کند که این امر خود را چه در فضاسازی های بیرونی و چه در فضاهای درون نشان می داد (کاستللو، ۱۳۶۸).

طبق این دیدگاه، بسیاری از صاحبنظران انگاره های معماری سنتی، مثل درونگرایی، محرمیت را صرفا از دیدگاه جغرافیایی بررسی می کنند و معتقدند که اولویت اول در آن دوران مسایل محیط بوده و به همین دلیل مثلا درونگرایی را صرفا در معماری مناطق گرم و خشک کویری کشور می بینیم؛ در صورتی که در مناطق شمال کشور درونگرایی وجود نداشته است. در این مناطق، حریم خانواده با پرچین از املاک همسایه جدا می شود. پس نمی توان درونگرایی را نتیجه توجه صرف به مسایل فرهنگی دینی دانست. یا در مورد شکستگی ورودی، معمار علاقه داشته است علت شکست را حفظ محرمیت بیان کند؛ در صورتی که دلیل اصلی شکست در ورودی این است که معمار خواسته با این شکستگی از ورود مستقیم هوای گرم به داخل خانه جلوگیری کند (معماریان، ۱۳۸۶ : ۱۰۹-۱۱۲)

در معماری ایرانی به ناچار عناصر اقلیمی به علت فشار طبیعت سرسخت به عنصر اساطیری پیشی می‌گیرد و اقلیم عناصر ویژه خود را ایجاب می کند. در اقلیم های گرم و خشک دیوارها ضخیم می شوند، گنبدها وظیفه عایق کاری حرارتی با کمک هوا را به عهده می گیرند و با تنظیم مسیر باد بر پوسته خارجی گنبد از حرارت دریافتی می کاهند؛ آجرچینی بر سطح سایه ها می افزاید؛ روزنه ها، بادگیرها، تقسیم فضای درونی به بام، بالاخانه، ایوان، زیرزمین، جهت گیری شمال شرقی در تابستان نشین و جنوب غربی زمستان نشین به کار می آیند. در اقلیم های سرد دیوارها ضخیم می شوند و با فرو رفتن کل بنا در زمین، کوچک شدن روزنه های نور، درهای کوچک، سقف های کوتاه، کوچه های پیچاپیچ و بافت متراکم در برابر طبیعت مقاومت می کند. در اقلیم مرطوب شمالی، درونگرایی اقلیم گرم و خشک جای خود را به معماری برونگرای اقلیم سبز و ملایم می دهد. به کارگیری گسترده چوب و فاصله گرفتن بنا از سطح زمین سقف های شیب دار به‌کار می آید. بنابراین، درونگرایی غالب در معماری ایرانی و برونگرایی استثنایی آن، عنصری است بیش از هر چیز اقلیمی و فاصله گذاری با جهان برون ریشه های اساطیری دارد، اما آن ریشه ها همچون موارد مشابه در معماری یونان خود همانقدر از متافیزیک ملهم شده اند که از فیزیک. عناصر معماری تکرار شرایط اقلیمی در پیوند با عناصر و تفکر اساطیری اند(فکوهی،۱۳۸۲: ۴۹۶).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

درونگرایی شهرها و خانه‌های اسلامی از دیدگاه ترکیبی(اکولوژیکی و فرهنگی)

برخی صاحبنظران، از جمله سمیر عکاش دو عامل اقلیمی و فرهنگی را در این امر مؤثر می‌دانند: وی ضمن بیان ویژگی خانه های اسلامی، باز شدن ورودی خانه های اسلامی به داخل را حاکی از آن می داند که خانه، مملکت فرد به شمار می رود و درآن جا خصوصیت و حرمت و اسرار محفوظ می ماند. دیوارهای خانه از بیرون یک‌دست است که در سرتاسر بنا امتداد دارد، و درآن منفذی به‌غیر از درب منازل به چشم نمی خورد. چون درگشوده شود، غالبا با دالانی مواجه می شویم که چون صراط، داخل شونده را به بهشت خصوصی ای هدایت می‌کند. درعین حال، این راهرو یک وظیفه بهداشتی هم عهده دار است که آن حفظ درجه حرارت معتدل است؛ چیزی که احیانا بین هوای گرم بیرون و هوای سرد درون واسطه می شود و بالعکس (سمیر عکاش،۱۳۷۷ :۷۴-۶۸).

خیرآبادی نیز معتقد است که رعایت اصل درونگرایی در بناها که تحت تاثیر عوامل متعدد، از جمله اقلیم و جغرافیا و امنیت رعایت می‌شد، به سبب انطباق با اصل حرمت خانواده در اسلام مورد تایید و تشویق قرار گرفت (خیرآبادی، ۱۳۷۶ : ۴۴-۵۱) و در برخی نواحی مثل شهرهای واقع در کنار دریای خزر یا برخی نواحی کوهستانی که به سبب ویژگی های محیط جغرافیایی، بافت معماری و شهری سکونتگاه برونگرا بود، پس از اسلام نیز همان ادامه یافت (سلطانزاده،۱۳۷۲ : ۳۳-۳۶).

نقی زاده الگوی معماری اسلامی را بر مبنای تعالیم اسلامی که نهی کننده تفاخر و تکبر و خودستایی و ریا است، توصیف می کند که بر این اساس معماری اسلامی متواضعانه به درون توجه نموده و با حیایی خاص از نمایش خویش و درون خویش به بیگانه احتراز می جوید. این درونگرایی نه فقط در مساکن، که در سایر عمارات نیز تسری یافته است. ممکن است درونگرایی معماری مسلمین به شرایط اقلیمی نسبت داده شود. این موضوع امری کاملا طبیعی است؛ زیرا یکی از اصول معماری عبارت است از ایجاد هماهنگی بین انسان و طبیعت و معماری و محیط زندگی. بنابر این، معماری مسلمین علاوه بر این که به شرایط اقلیمی مناسبترین پاسخ را داده، توانسته است شرایط امن و مناسبی را در مقابل دیگران نیز فراهم آورد. این در حالی است که این سبک از معماری به زیبایی تمام توجه تمرکز به باطن و سیر در درون را به عنوان اصل و ارزش اسلامی به نمایش می گذارد (نقی زاده، ۱۳۷۸: ۹۹-۱۱۴).

برخی علاوه بر عوامل اقلیمی و فرهنگی بر عامل دفاعی و امنیتی نیز تاکید دارند. از قدیمترین خانه های حفاری شده در سومر(اور) تا خانه های سنتی، درونگرایی را نشان از عدم امنیت می دانند. نقش دفاع در درونگرایی با عدم امنیت در جامعه ناشی از تهاجم خارجی ابراز شده است (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۵۳)؛ ازجمله اینکه خیر آبادی معتقد است به خاطر هماهنگ بودن عملکرد حیاط با حوایج اسلامی، سیستم حیاط برای مسکن موجود در بیشتر شهرهای مسلمان نشین به عنوان الگوی غالب باقی مانده است، ولیکن ریشه آن بیشتر مربوط به ملاحظات اقلیمی و نیازهای دفاعی است تا فرهنگ اسلامی (خیرآبادی،۱۳۷۶ :۲۱). بنابراین، دفاع و اقلیم به لحاظ اهمیت باید به عنوان عوامل مشابه با مذهب یا باورهای اجتماعی در جدایی فضاهای فیزیکی از طریق دیوارها، حیاط ها و غیره در نظر گرفته شود؛ چراکه ساخت خانه های درونگرا علاوه بر ایجاد حریم‌های لازم، به حفظ امنیت صاحبان آن نیز کمک می کرد. در برخی از مناطق جهان اسلام که وضع سیاسی- نظامی خاصی وجود داشت، طراحی پیچیده‌تری لحاظ شد.

آنچه مسلم است، این است که عوامل فرهنگی و اعتقادی در کنار عوامل اقلیم و محیطی توأم با هم در به‌وجود آمدن

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

نوع معماری و بافت شهری مؤثر بوده است. معماری حاشیه کویر ایران تحت تاثیر دو عامل؛ یکی شرایط اقلیمی و دیگری تفکرات مذهبی شکل خاص خود را دارد؛ بدین معنی که ساختمان‌ها تظاهر به بیرون نداشته و شکل ساختمان در داخل و در حیاط مرکزی شکوفا می گردد. این مساله به خاطر شرایط اقلیمی و ثانیا مذهب اسلام بود که به حفظ حریم ها و درونگرا بودن واحد مسکونی تاکید دارد (مهجور؛۱۳۷۳ :۵۸۱-۵۹۰) و بر این مبنا می توان گفت که در معماری اسلامی عوامل مهمی، از جمله : شرایط آب و هوایی، مواد و مصالح محلی، فرم‌های سنتی، شیوه زندگی و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی تعیین کننده است. (شکویی،۱۳۶۵ :۱۹۱-۱۹۸). نهایتا اینکه عوامل فرهنگی و تفکرات مذهبی اعتقادی در کنار عوامل اقلیم و محیطی توأم با هم در به‌وجود آمدن نوع معماری و بافت شهری مؤثر بوده است.

نقش و کارکرد حیاط در شهرهای سرزمین‌های اسلامی بر اساس دیدگاه‌های مختلف

ژرژ مارسی دار یا خانه را محلی محاط با چند دیوار کم و بیش دایره ای شکل دانسته و به تمایل مسلمانان به سکونت در گرداگرد یک مرکز اشاره کرده است(دائره المعارف اسلام، ذیل دار). زندگی خانواری همچون دایره های هم مرکز و حریم های خصوصی خارج از دید دیگران است(اردلان و بختیاری،۱۹۷۵: ۳۵-۳۷،۷۳؛ حسین پور و دیگران، ۲۰۱۱: ۲۶). حیاط با حوض در مرکز حاکی از باغ بهشت است؛ در به مفهوم لنگرگاه و دالان و دهلیز نشانه اتصال به فضایی دیگر است؛ اتاق نمایش کسب انسان و وابستگی اش به خانه در وابستگی خانواده است.

پیشینه شناخت الگوهای راه های تو در تو و سبک ویژه حیاط خانه های شهرهای خاورمیانه و افریقای شمالی به دو هزار سال قبل از میلاد مسیح به شهر اور در بین النهرین بر می گردد (جنیایی،۱۳۸۶: ۳۷۱؛ وارن و فتحی، ۱۹۸۲: ۱۹۹).

خانه های حیاط داری که طرح اصلی مسکن سنتی مسلمانان بوده، اساسا به وسیله یونانیان و رومی‌ها ایجاد شده است. زمانی که دولت اسلامی ایجاد شد و به نواحی باستانی یونان و روم گسترش یافت، مسلمانان در خانه های حیاط دار ساکن شدند و خانه های حیاط دار به عنوان طرحی ایده ال و مطلوب برای مساکن اسلامی باقی ماند. برخی معتقدند که خصوصیاتی چون کوی‌های بن بست و خانه های درونگرا با حیاط میانی، خاص تمدن دوره اسلامی نیست و از روزگار کهن در شهرهای باستانی مشرق زمین وجود داشته است(صباح سعید الشیخی،۱۳۶۲ :۲۰؛ مرتضی،۲۰۰۳؛ حسن پور و دیگران، ۲۰۱۱: ۲۹).

برخی از ویژگی‌های خانه اسلامی علاوه بر سازگاری با فرهنگ اسلامی، از اوضاع تمدنی و اقلیمی متأثر است؛ مانند ساخت درونگرا با استفاده از حیاط مرکزی که در سراسر خاورمیانه و شمال افریقا متداول است(جنیایی،۱۳۸۶ : ۳۶). در فرهنگ مردم خاورمیانه از دیرباز وجود حیاط مرکزی از عناصر اصلی در ساخت خانه های سنتی بوده است، اما آنچه اهمیت حیاط را به عنوان عنصر مورفولوژیک در شهرهای خاورمیانه تحکیم می بخشد، پاسخگویی آن به محیط خشن طبیعی و متناسب بودنش با سنت های فرهنگی ناحیه است.

راپاپورت علت وجود خانه های حیاط دار را عامل فرهنگی ذکر می‌کند تا عامل اقلیمی (راپاپورت،۱۳۸۱ : ۱۱-۱۶). به گفته او، عوامل اقلیمی عوامل اولیه نیستند و شکل خانه متمایز از درک انسان‌ها از جهان، حیات، فرهنگ، باورهای مذهبی و شیوه های ارتباط‌های اجتماعی آنان است(راپاپورت، ۱۳۸۲: ۶۸-۷۴).

عنصر حیاط و خانه های حیاط دار، به دلیل اینکه با اصول اسلامی هیچ گونه تضادی نداشت و طرحی بود که می-

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

توانست میزان بالایی از محرمیتی را که در روش زندگی مسلمانان مطرح است، تامین نماید، به عنوان الگو و مدلی در خانه های اسلامی پذیرفته شده و باقی ماند(مرتضی،۲۰۰۳) . بر این مبنا برخی صاحبنظران بر این عقیده اند که منشأ پیدایش حیات اسلام نیست، ولی به دلیل انطباق با ویژگی‌های جغرافیایی و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی در جوامع اسلامی پذیرفته شده است.

موریس معتقد است برخلاف تصور غالب، خانه حیاط دار یک ضرورت اسلامی نبوده، بلکه هدف حفظ محرمیت عرصه خصوصی، به هر شکل ممکن بوده است. یکی از دلایلی که برای تاکید فرم خانه های کوتاه با حیاط مرکزی در تواریخ شهری آمده، استفاده از آن برای خانه پیامبر (ص) در هنگام ورود ایشان به مدینه است. غیر از شهرهایی که در مناطق سردسیر حاشیه شمالی جهان اسلام واقع شده‌اند، موقعیت اقلیمی این شهرها باعث شده که اجرای ضوابط حفظ محرمیت فضای خصوصی بر شکل خانه ها ی حیاط دار یا خانه های رو به معبر مقدور شود (موریس،۱۳۸۱ : ۲۹).

برخی در مورد عنصر حیاط بر دیدگاه بوم شناختی تأکید دارند. بر اساس این دیدگاه، حیاط در نواحی گرم و خشک نقش عمده ای در گردش هوا دارد. شیوه رایج در سرزمین‌های اسلامی، از جمله استفاده از حیاط درونی خانه ها به علت سازگاری با کار و فعالیت آنهاست که نمونه باستانی دارند. حیاط فضایی مطبوع را در فصل گرم ایجاد می کند. این حیاط‌ها معمولا با دیوار ها و ایوان‌ها رواق‌ها و ستون‌ها احاطه می شوند، مانع گرم شدن فضای داخلی می شوند و فضای خانه را تهویه می کنند (پیتربرج،۱۹۸۴: ۱۹۹) . استفاده از حیاط های داخلی مشجر و معطوف نمودن فضاهای زندگی به حیاط، یکی از عمده ترین مشخصات معماری مناطق گرم و خشک و یکی از مؤثرترین عوامل ایجاد رطوبت در مناطق خشک است (معماریان،۱۳۸۶ : ۱۶۴-۱۶۵). تغییرات آب و هوایی در عراق با استفاده از حیاط مرکزی در طراحی خنثی می شود(وارن و فتحی،۱۹۸۲ : ۲۲). حیاط از جمله ویژگی خانه های درونگراست(حسین پور و دیگران،۲۰۱۱: ۲۷) و خانه مناطق ساحلی دریای سرخ و تهامه در جنوب عربستان، الگوی درونگرا با حیاط مرکزی است(کینگ،۱۹۸۸ : ۱۹) و سیستم حیاط در شهرهای افریقای شمالی و خاورمیانه، از جمله قاهره، دمشق و جده، الگوی درونگرا و فضای خصوصی را ایجاد می کند که حتی ورودی‌های به آن نیز کوچک است (فادی:۲۰۱۱ : ۵).

دیدگاه ترکیبی(اکولوژیک و فرهنگی) عنصر حیاط در شهرهای سرزمین‌های اسلامی به منظور جوابگویی به نیازهای اقلیمی، در خانه های مناطق اسلامی نقش عمده ای دارد و به عنوان فضای تنظیم کننده هوا از باد جلوگیری کرده و سایه به‌وجود می آورد و علاوه بر اینکه ارتباط ساکنان خانه را با طبیعت تضمین می نمود، به صورت فرمی یگانه و بهترین پاسخ به شرایط اقلیمی، توانسته بود نیاز یک خانواده مسلمان را به محرمیت به نحو احسن تامین نماید و همچنین، تامین کننده نوعی زندگی کوچک و مأنوس درونی در برابر فضای باز و ناامن بیرونی بوده است (امین زاده، ۱۳۷۹ : ۴۰- ۵۲ و صارمی، ۱۳۷۴ :۲۴۶-۲۲۸). بر این اساس، خانه های حیاط دار مناسب شرایط آب و هوایی و سنت های اجتماعی است.

آندره ریمون نیز معتقد است که به‌طور سنتی در شهرهای عرب خانه به سوی جهان خارج بسته می شد و بر عکس، بر روی حیاط باز و از آنجا به سوی آسمان گشوده می شد. بنابراین، توسط حیاط ارتباط نه با سایر افراد، بلکه با جهان صورت می گیرد. پس خانه سنتی عربی به سبب اطمینان از محصوریت زندگی خانوادگی، بلکه بیش از این برای تحقق بخشیدن به مفهومی مذهبی از زندگی، عموما جنبه خصوصی و درونگرا دارد و ساختار خانه بیانگر احکام جامعی از جهان و از جایگاه انسان در این جهان است (آندره ریمون،۱۳۷۰). لای شیب ضمن بیان عنصر حیاط به عنوان ویژگی و

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

مهمترین واحد سکونتی شهرهای اسلامی، معتقد است در اقلیم گرم و خشک حیاط با درختان و فواره های آب سایه ایجاد می کردند و یک فضای خصوصی و درونی برای زندگی خانوادگی فراهم می کردند، که از منظر و نگاه عموم محفوظ بود. ورودی خانه ها ال شکل بود و به ندرت در خروجی به خیابان اصلی باز می شد، به دلیل اینکه درون خانه ها مستقیما قابل دیدن نباشد (لای شیپمن، ۱۹۹۹).

حیاط مرکزی معنا و مفهومی دارد که از جهان بینی نشات گرفته و توجه به درون و درونگرایی و خودشناسی و خودسازی برای عروج و دیگرسازی. حیاط مرکزی از محدوده اقلیمی عبور می کند و یک نوع ارزش و جهان بینی را مطرح می کند. این الگو برای مدارس و مساکن و کاروانسراها توسعه پیدا می کند، چون فضایی والاتر از اقلیم و عملکرد دارد و از این رو عامل وحدت برای همه مکان‌ها و زمان‌ها در جهان اسلام به شمار می آید (ذوالفقاری،۱۳۷۹ :۳۱۴).

خانه حیاط دار توانسته‌است مسائل مورد توجه اسلام در خصوص تعیین چارچوب برای زندگی خصوصی را مدّ نظر قرار دهد و به آن بپردازد. حیاط داخلی خانه به منزله بهشت و چون بهشت باطنی مستور است. خانه مسلمان مانند جنت و عالم دیگر پنهان است و بدین گونه زندگی خانوادگی از زندگی اجتماعی جدا شده است(بورکهارت:۱۳۸۱: ۱۴۸).

الگوی خانه حیاط دار سراسر آرامش و آسایش است. در ادوار تاریخی پیشین اهمیت دفاع ایجاب می کرد که خانه-ها فوق العاده به هم فشرده ساخته شوند و بنابراین، سبک خانه های حیاط دار کاملا مؤثر و مفید بود. علاوه بر این، خانه حیاط دار توانست مسائل مورد توجه اسلام در خصوص تعیین چارچوب برای زندگی خصوصی را نیز مدّ نظر قرار دهد و به آن بپردازد. فضای داخلی حیاط کاملا از محیط بیرون آن جدا شده بود؛ در نتیجه زنان می توانستند به کلی از چشم بیگانه و نامحرم دور بمانند. در خانه های حیاط دار ارتباط با سراسر خانه ها از طریق حیاط برقرار می شود و این مشخصه مهمی است که بر اهمیت کاربردی فیزیکی و نمادین این فضای مرکزی تاکید می کند. از جهت ایجاد شرایط زیستی مطلوب و کارآمد، خانه حیاط دار عملا با محیط سازگار و مناسب است. حیاط مرکزی قبل از اسلام به دلایل گوناگون مورد استفاده بوده. بعدها به عنوان بیانی از احساس مسلمین نسبت به فضا و به خصوص فضای معنوی معنا یافته و سپس در فرهنگ معماری اسلامی از نظر کاربردی و از لحاظ سمبولیک به اوج خود رسیده است. عامل فرهنگی و حفظ محرمیت، عامل اقلیمی و جغرافیایی و امنیت، در عنصر حیاط و گسترش الگوی درونگرایی در شهرهای سرزمین‌های اسلامی مؤثر بوده است.

الگوی درو نگرایی و عنصر حیات در ایران

سابقه درونگرایی در ایران به قبل از اسلام بر می گردد؛ چنانکه در تخت جمشید مربوط به دوره هخامنشیان حدود پنج قرن قبل از میلاد، درونگرایی کاملا ملاحظه می گردد. هر یک از فضاهای این بنای عظیم باستانی خود دارای فضاهای خدماتی، راهروها و دیگر عناصری بوده که به دیگر فضاها نیاز نداشته است و این به دلیل اعتقاد خاصی است که در آن زمان به حجاب داشته اند؛ به طوری که حتی بر روی نگاره ها و نقوش حک شده برروی سنگ‌ها، تصویر یک زن دیده نمی‌شود (مهجور،۱۳۷۳ :۵۸۱).

از جلوه‌های تاثیر فرهنگ و معماری خانه، ایجاد حریم های خصوصی و همسان در خانه های ایران است. در برخی

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

نمونه‌های به جا مانده، جدایی حریم زنان و بخش عمومی خانه یا کاخ در نظر گرفته شده است.

عدم امنیت در گذشته های دور و گردن نهادن به مسائل فقهی بعد از ورود اسلام به ایران؛ به خصوص رعایت مساله محرمیت، طرح حیاط و فضای باز در داخل یک چهاردیواری به قدمت تاریخ مسکن در کشور ایران مشاهده می شود (معماریان،۱۳۷۱:.۲۲۳).

در برخی خانه های ایرانی با استفاده از هشتی و راهرو، خانه ها بدون دسترسی مستقیم به فضای خصوصی خانه، تا پنج ورودی داشتند(پیتربریج،۱۹۸۴: ۱۹۷). پیرنیا در کتاب *معماری اسلامی ایران* به مواردی، از جمله سکوهای کناری، سردر و پاخوره اشاره می کند و آن را برای استفاده کسانی می داند که با صاحبخانه کار داشته، ولی لازم نبوده‌است وارد خانه شوند و یا فضای هشتی و راهروهای پیچ در پیچ منتهی به حیاط های اندرونی و بیرون مانع دید افراد غریبه به داخل حریم مقدس خانواده می شده است. او این موارد را رویکرد اصلی فرهنگ در ساخت خانه ها ی مسکونی می داند که خود را به صورت عالی نمایان کرده است (پیرنیا،۱۳۷۱).

سابقه حیاط در ایران به حدود هفت هزار سال می رسد. آثار مربوط به تپه زاغه نزدیک قزوین در ۶۰۰۰ تا ۶۵۰۰ سال پیش از میلاد خانه هایی را نشان می دهد که دارای حیاط مرکزی بوده است (ادیب زاده و دیگران، ۱۳۸۴ :۴۰؛ ملک شهمیرزادی،۱۳۷۶ :۵-۶). همچنین، بنای چغازنبیل، دارای حیاط مرکزی بوده است(پیرنیا، ۱۳۸۰ :۴۹-۵۱). کاربری حیاط از دوره اشکانی به بعد؛ خصوصا دوره ساسانی رواج یافته است. بناهای موجود مانند کاخ سروستان حیاط مرکزی دارند و به‌طورکلی، از قرون اول هجری حیاط کاربرد داشته است(همان:۱۲۲-۱۲۵).

حیاط کارکردهای گوناگونی در خانه ایرانیان داشته است؛ مثل حریم، تملک، وحدت دهنده چند اندام خانه، اندام گردشی فضای سبز و با نشاط برای گذر جریان هوای مناسب، اندام مهمی برای ارتباط دادن فضاهای مختلف، حریمی امن برای آسایش خانواده و پیوند دهنده آسمان و زمین (معماریان،۱۳۸۶: ۱۰۸-۱۱۲). حیاط فضایی مطبوع را در فصل گرم ایجاد می کند حوض، درختان و باغچه های درون آن فضایی با طراوت به خصوص در نواحی حاشیه کویر نظیر خانه طباطبایی ایجاد می کند(حسین پور و دیگران، ۲۰۱۱: ۲۶).

به‌طورکلی، عواملی که موجب درونگرایی در معماری ایران شده اند، عبارتند از: وضعیت جغرافیایی خاص بسیاری از مناطق ایران؛ یعنی خشکی، بادهای مختلف و شنهای روان باعث ایجاد فضاهای بسته شده است. مسایل فرهنگی و اعتقادی خاص ایرانیان که یکی از آن ویژگی ها عبارت از این است که ایرانیان برای زندگی خصوصی افراد حرمت و احترام ویژه قایل هستند و همچنین، رعایت اصول مذهبی و اسلامی عزت نفس ایرانی‌ها که درتاریخ و فرهنگ این ملت ریشه دارد.

درحالی که ترکیب اجتماعی شهر ایرانی هماهنگ با نیازهای اسلامی است، مورفولوژی طبیعی آن تا حدود زیادی پاسخ منطقی فرهنگ به محیط طبیعی؛ به ویژه توپوگرافی و اقلیم فلات ایران است. به این ترتیب، شهر سنتی ایرانی مثل هر شهر دیگر جهان اسلام به نیازهای مذهبی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان مسلمانش پاسخ می گوید. بعلاوه، به علت شرایط خشکی فلات ایران تا حد زیادی واکنش عقلایی نسبت به خصیصه های اقلیمی نیز دارد (خیرآبادی،۱۳۷۶ :۲۱).

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

نتیجه‌گیری و راهکارها

اگرچه فرهنگ شهرسازی و معماری اسلامی مدیون تمدن‌های پیش از اسلام است، تشخیص چگونگی انتقال خصوصیات شهرهای اسلامی از تمدن‌های قدیمتر به مسلمانان دشوار است. شبکه پیچیده معابر شهری، بازار، کوچه های بن بست، تیپولوژی حیاط مرکزی هیچ کدام منحصر به تمدن اسلامی نبوده‌اند، ولی به هر حال شیوه به‌کار گیری این عناصر در شهرهای اسلامی با دیگر شهرهای کهن متفاوت بوده و هویت شهر اسلامی بیشتر در نحوه به‌کار گیری و ترکیب عناصر فوق نهفته است. رعایت اصل درونگرایی در بناها که تحت تاثیر عوامل متعددی، از جمله اقلیم و جغرافیا و امنیت رعایت می شد، به سبب انطباق با اصل حرمت خانواده در اسلام مورد تایید و تشویق قرار گرفت. عنصر حیاط نیز در قبل از اسلام وجود داشته است؛ همچنانکه در نواحی غیر مسلمان نیز وجود دارد، اما به خاطر هماهنگی عملکردی‌اش با حوایج اسلامی، سیستم حیاط برای مسکن موجود در بیشتر شهرهای مسلمان نشین به عنوان الگوی غالب باقی مانده است. به عبارتی، عوامل فرهنگی و اعتقادی و مذهبی در کنار عوامل اقلیم و محیطی توأمان در به‌وجود آمدن نوع معماری و بافت شهری مؤثر بوده است.

محرمیت به عنوان تجلی عرصه انسانی (منزلت، مقام، مرتبه، شخصیت، استقلال شخصی، میل به عدم اداره شدن و کنترل شدن جامعه به وسیله دیگران، میل به عدم حاکمیت کامل توسط دیگران و یا سایر عناصر و اشیا به انسان) در مجموعه شهری مدرن نمی تواند مصداق پیدا کند. استقلال در محرمیت که به امر مهم و حیاتی ایجاد شخصیت و آگاهی فرد در زندگی کمک می کند، در چنین شهرهایی به حداقل می رسد.

امروزه انسان بیش از هر زمان دیگر سرپناهی را می تواند خانه بنامد و بافت سکونتی را توأم با آرامش بداند که به واسطه داشتن حال و هوایی آرام، او را از تکاپو و هیجان حاکم بر سایر فعالیت‌ها مصون نگه دارد. مشخص کردن حریم ها و استقرار مناسب آنها نسبت به یکدیگر، نخستین شرط برقراری سلسله مراتب است. برای القای سلسله مراتب، علاوه بر مشخص بودن حریم ها، به تناسب کالبدها و فعالیت ها نیز نیاز است. خارج کردن نظم توده های ساختمانی از حالت یک نواخت بر این مبنا کمکی است در جهت دستیابی به احساس آرامش در شهر. برای مقابله با چنین اشراف هایی حفظ حریم عرصه های مختلف ضروری است. در این زمینه، اولویت قایل شدن برای دید از عرصه خصوصی به عمومی تهدیدی مؤثر و کارآمد به نظر می رسد. علاوه بر در امان بودن از اشراف مزاحم، فضاها باید دارای محصوریت کافی باشد تا آرامش را القا کند.

در شرایط مطلوب، شبکه ای از سلسله محرمیت، فضای شهری را در بر می گیرد. این سلسله مراتب برای واحد مسکونی به عنوان محرمترین و خصوصی ترین فضا شروع و به عمومی ترین فضای مرکز شهرختم می شود. میزان آشنایی یا بیگانگی افراد با یکدیگر، وسعت، محدودیت فضا، تنوع، اندازه فعالیت‌ها و تراکم استفاده کنندگان از فضا همگی همسو با یکدیگر و بر اساس الگوی سلسله مراتب تغییر می یابد. بی‌توجهی به نظام سلسله مراتبی در ساختار شهر، خصوصا از نظر محرمیت می تواند از بسیاری جهات عملکرد صحیح و منطقی شهر را با مشکل مواجه سازد.

به نظر عده ای در برنامه ریزی جدید لازم است بین ساخت کالبدی، الگوی فعالیت‌ها و نیازهای رفتاری و سابقه فرهنگی جامعه پیوند برقرار شود. شکل و کالبد شهر باید بتواند محیط اجتماعی سالم، فعال با معنی و متکی بر میراث‌های گذشته به‌وجود آورد تا بالاترین هدف شهر را که ایجاد محیطی انسانی و واجد ارزش‌های والاست، تحقق بخشد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

بازگشت به تاریخ و پرهیز از الگوهای توسعه مبتنی بر تجارب مغرب زمین و رجوع به ویژگی‌های متمایز تاریخی هر جامعه ازیک طرف و پرهیز از القای نسخه های تجویزی توسعه از بالا به پایین(مرکز محور) در داخل کشور و تمرکز زدایی و تقویت بومی و گروهی از طرف دیگر، از جمله اقدامات مناسب در این زمینه است. باید در جستجوی راهی بود که بتوان فضاهایی را ایجاد نمود که مفاهیم و ارزش‌های موجود بافت‌های کهن به گونه ای برای شهر امروزی تامین شود. آنچه امروزه اهمیت دارد احیای ارزش های فضایی و اجتماعی شهر سنتی است. بنابراین، باید به ارزش‌های فضایی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی توأمان توجه نمود. باید با شناخت جوهره اصلی ارزش های گذشته در پی تعریف تازه‌ای برآمد؛ تعریفی که بتواند با توجه به شبکه پیچیده ارتباطات، نیازهای روزمره امروز جامعه شهری را تأمین کند.

منابع

۱- ادیب زاده بهمن و دیگران.(۱۳۸۴). *آثار خانه در ایران از نوسنگی تا ساسانی، به روایت گنجینه خاک*، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

۲- آندره ریمون. (۱۳۷۰). *شهرهای بزرگ عربی اسلامی*، ترجمه حسین سلطان زاده، تهران: آگاه .

۳- امیر بانی، مسعود .(۱۳۸۰). تأملی بر تداوم دوگانگی اندرون- بیرون مسکن، *فرهنگ*، سال دوم، ش ۸ .

۴- امین زاده، بهناز. (۱۳۷۹) . مبانی امنیت در شهر اسلامی، *فصلنامه پژوهش*، شماره چهارم، پاییز و زمستان.

۵- بحرینی، سید حسین .(۱۳۷۵). *تجدد و فراتجدد و پس از آن در شهرسازی*، دانشگاه تهران.

۶- بورکهارت، تیتوس.(۱۳۸۱). *هنر مقدس؛ اصول و روش‌ها*، ترجمه جلال ستاری، تهران: بی‌نا.

۷- پاکزاد، جهانشاه .(۱۳۷۶). *سیر اندیشه ها در شهرسازی؛ از کمّیت تا کیفیت*، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید.

۸- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۱) . *آشنایی با معماری اسلامی ایران، ساختمان‌های درون شهری و برون شهری*، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: بی‌نا.

۹- جینایی، هیدنبو .(۱۳۸۶). *جهان کوچک خانواده پیرامون حیاط در شهرنشینی در اسلام، گزارش ۱۹۸۹*، مرکز مطالعات فرهنگی خاورمیانه توکیو، ترجمه مهدی افشار، ج۲، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۰- خیرآبادی، مسعود. (۱۳۷۶). *شهرهای ایران*، مترجمان: حسین حاتمی نژاد و عزت ال... مافی، مشهد : نشر نیکا.

۱۱- دارابی، هلیا .(۱۳۷۶). ویژگی شهرهای اسلامی از گذشته تا به امروز، *مجله همگامان*، تهران: شهرداری .

۱۲- ذوالفقاری، حسن.(۱۳۷۹). روح وحدت، *مجموعه مقالات دومین همایش معماری مسجد*، دانشگاه هنر .

۱۳- راپاپورت آموس.(۱۳۸۱). به سوی انسان شناسی خانه، ترجمه مسعود پرچمی عراقی، *آبادی*، سال دوازدهم، ش۳۶، پاییز.

۱۴- ــــــــــ . (۱۳۸۲). خاستگاه‌های فرهنگی معماری، ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک، *خیال*، ش ۸، زمستان.

۱۵- سمیر عکاش. (۱۳۷۷). خطوطی از علم الجمال زیبایی شناسی معماری اسلامی؛ به ویژه در بنای مسجد، ترجمه خان محمدی، علی اکبر، *صفه*، ش ۲۶، بهار و تابستان .

۱۶- سلطان زاده، حسین. (۱۳۷۲). تاثیر اسلام در ساخت شهر، *معماری و شهرسازی*، ش ۲۵و۲۶.

۱۷- شکویی، حسین. (۱۳۶۵). *جغرافیای اجتماعی شهرها*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی .

۱۸- صارمی، علی اکبر. (۱۳۷۴). عناصر پایدار و متغیر در معماری، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ و معماری و شهرسازی ایران؛ ارگ بم*، جلد نخست.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]

۱۹- صباح، سعیدالشیخی.(۱۳۶۲) . *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم زاده،تهران: نشر دانش.
۲۰- رضیه، عبدالامیر و مصطفی فریال . (۱۹۸۷). التراث المعماری لمدینه الحله، *سومر*، ج ۵، ش ۱و۲.
۲۱- عزب، خالد .(۲۰۰۳). *تراث العماره الاسلامیه*، قاهره.
۲۲- فکوهی، ناصر .(۱۳۸۲). انسان شناسی شهری، تهران: نشر نی.
۲۳- لینچ، کوین .(۱۳۷۶). *تئوری شکل خوب شهر*، ترجمه سید حسین بحرینی، دانشگاه تهران.
۲۴- کاستللو وینسنت، فرانسیس.(۱۳۶۸). *شهرنشینی در خاورمیانه*، ترجمه پرویز پیران، تهران: نشر نی.
۲۵- لئوناردو، بنه ولو.(۱۳۶۹). *تاریخ شهر- شهرهای اسلامی و اروپایی در قرون وسطی*، ترجمه پروانه موحد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی .
۲۶- معماریان غلامحسین. (۱۳۸۷). سیری در مبانی نظری معماری، تهران.
۲۸- معماریان، غلامحسین .(۱۳۸۶). *آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه شناسی درونگرا*، تهران: بی‌نا.
۲۹- ــــــــــــــ .(۱۳۸۶). *آشنایی با معماری مسکونی ایران گونه شناسی برونگرا*، تهران: بی‌نا.
۳۰- ملک شهمیرزادی صادق.(۱۳۶۷). بررسی طبقه اجتماعی در دوران استقرار در روستا بر اساس روش تدفین در ۳۱- زاغه، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان.
۳۲- موریس، جیمز .(۱۳۸۱). *تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی*، جلد دوم: *شهرهای اسلامی خاورمیانه و امپراتوری اسپانیا*، ترجمه راضیه رضازاده، مهندسین مشاور فجر توسعه (جهاد دانشگاهی علم و صنعت).
۳۳- مهجور، فیروز.(۱۳۷۳). مسکن بهینه، *سمینار سیاست‌های توسعه مسکن*، جلد دوم، دانشگاه تهران.
۳۴- مدنی پور، علی.(۱۳۸۱). *تهران؛ ظهور یک کلانشهر*، ترجمه حمید زرآزوند، تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۵- مجتهدزاده، غلامحسین.(۱۳۷۶)، برنامه‌ریزی شهری در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۶- نایبی، فرشته.(۱۳۸۱) *حیات در حیاط در خانه های سنتی ایران*،تهران: انتشارات نزهت.
۳۷- نقی زاده، محمد(۱۳۷۸). منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی، *فصلنامه هنر*، ش ۴۰.
38- Ardalan Nader and Bakhtiar Laleh,(1975) ,The sense of unity :the Sufi tradition in Persian architecture, Chicago.
39- Chardin Jean,(1711) ,Voyages de Chervalier Chardin en Perse et autres Lieux de l,Orient ,ed ,Amsterdam.
40- Dudley Woodberry, March (1998) , Guest Editional : Muslim Cities, Volum15 , Nu3
41- Fadi Fodi (2011), Retrofitting Heritage building in the Middle East & North Africa Mena, integrative passive design soulutions in Heritage cities, Departemant of Architecture & Urban Planing,Qatar University.
42- Hossein Pour Hajjar, Nagizadah Mohammad, Aminzadehgohari (2011), Recognition of the roots in Islamic architectural formation, American Journal of scientific research.
43- King Geoffry (1988), The traditional architecture of Saudi Arabia, London.
Leigh Shipman (1999) ,The Islamic city order within Chaos ,pwcs.edu , Hylton High School. World Net Virgina,. Prince William County.
44- Mortada Hisham , (,2003) , Traditional Islamic principles of built environment, New York.
45-Petherbridge Guy T, (1984) ,Vernacular architecture: the house and society, in Architecture of the Islamic world, ed George Michell, London, Thames and Hudson
46- The Encyclopedia of Islam,New editon,edited by E. Van Dozel , B Lewis Leiden,Brill,1980, in :Dar: by G .Marcais.
47- Warren John and Fethi Ihsan, (1982) Traditional house in Baghdad, Horsham, Engle.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-10-30]